



تأثیر انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابداری با نقش تعدیلی ویژگی‌های حسابرس

ابراهیم برام زاده^۱

سید علی واعظ^۲

قاسم رکابدار^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

چکیده

هدف: این پژوهش به بررسی تأثیر انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابداری می‌پردازد. علاوه بر این، پژوهش حاضر نقش تعدیل‌گر ویژگی‌های حسابرسان (اندازه، تخصص و جنسیت) را مورد آزمون قرار می‌دهد. روش: نمونه پژوهش شامل ۱۱۲۸ مشاهده جمع‌آوری شده از ۱۶۲ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. این اطلاعات که به صورت پانل نامتوازن است (به دلیل عدم افشای حق‌الزحمه حسابداری در برخی از سال‌ها) از صورت‌های مالی به همراه یادداشت‌های توضیحی و گزارشات هیئت‌مدیره شرکت‌ها در سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) سازمان بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده است. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که انحراف از هنجارهای صنعت اثر مثبت و معناداری بر حق‌الزحمه حسابداری دارد. با بررسی ویژگی‌های حسابرسان، نتایج نشان داد که تخصص حسابرسان در صنعت بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق‌الزحمه حسابداری اثر منفی و معناداری دارد. به سخن دیگر، اثر مثبت انحراف از هنجارهای صنعت بر حق‌الزحمه حسابداری کمتر مشهود است، اگر شرکت‌ها از حسابرسان متخصص صنعت به عنوان حسابرس مستقل استفاده کنند. در عین حال، اثر اندازه و جنسیت حسابرس بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق‌الزحمه حسابداری معنادار نبود. نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که انحراف از هنجارهای صنعت با افزایش ریسک شرکتی در ارتباط است که به نوبه خود می‌تواند بر ریسک حسابداری و به تبع آن حق‌الزحمه حسابداری اثر بگذارد. از سوی دیگر، حسابرسان متخصص صنعت ریسک حسابداری و حق‌الزحمه حسابداری کمتری را برای این گونه شرکت‌ها در نظر می‌گیرند. **واژه‌های کلیدی:** انحراف از هنجارهای صنعت، ریسک شرکت، ریسک حسابداری، حق‌الزحمه حسابداری، ویژگی‌های حسابرس.

۱ گروه حسابداری، واحد بین‌المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران. ebrahimbaramzadeh@yahoo.com

۲ دانشیار گروه حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده و مسئول). sa.vaez@gmail.com

۳ گروه ریاضی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. ghasem_rekabdar@yahoo.com



۱- مقدمه

حق الزحمه حسابرسی هزینه‌ای است که شرکت‌ها برای استخدام حسابرسان مستقل که صحت و قابلیت اطمینان صورت‌های مالی را ارزیابی می‌کنند، متحمل می‌شوند (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵). درک عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی از زمان مقاله اولیه سایمونیک^۱ (۱۹۸۰) در بیش از ۴۰ سال پیش، مورد توجه محققان مهم بوده است. تحقیقات حسابرسی چندین عامل اثرگذار بر حق الزحمه‌ها، به ویژه اندازه، پیچیدگی، ریسک صاحبکار حسابرسی و همچنین جنبه‌های خاصی از حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های حسابرسان را برجسته کردند (هی^۲ و همکاران، ۲۰۰۶؛ ژو و اوسالیوان^۳، ۲۰۲۳). هدف مقاله حاضر گسترش درک موجود از عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی با مطالعه شرکت‌های فهرست شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران است. به طور خاص، این مقاله به بررسی تأثیر انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابرسی می‌پردازد. علاوه بر این، نقش تعدیل‌گر ویژگی‌های حسابرسان را مورد آزمون قرار می‌دهد.

هنجارهای صنعت شامل مجموعه‌ای از استانداردها، شیوه‌ها و معیارهایی است که به طور گسترده در یک بخش خاص پذیرفته شده و دنبال می‌شوند (بیورنسن^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). این هنجارها مبنایی برای ارزیابی عملکرد و سلامت مالی یک شرکت در صنعت آن است. هنگامی که یک شرکت از هنجارهای صنعت منحرف می‌شود، به این معنی است که به شیوه‌ای عمل می‌کند که به طور قابل توجهی با رویه‌ها و استانداردهایی که معمولاً در بخش آن مشاهده می‌شود، متفاوت است (الساندری و خان^۵، ۲۰۰۶). این انحراف می‌تواند به روش‌های مختلفی مانند روش‌های حسابداری نامتعارف، مدل‌های تجاری نامتعارف یا عدم انطباق با الزامات نظارتی ظاهر شود (مک نامارا^۶ و همکاران، ۲۰۰۳؛ چاترچی^۷ و همکاران، ۱۹۹۹). چنین انحرافی ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد و می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله تصمیمات استراتژیک، مشکلات مالی یا تلاش برای کسب مزیت رقابتی باشد (الساندری و خان، ۲۰۰۶). از این رو، انحراف از هنجارهای صنعت می‌تواند تأثیر مستقیمی بر ریسک و به تبع آن حق الزحمه حسابرسی داشته باشد. با این حال، این موضوع تاکنون مورد توجه محققین به ویژه در سطح داخلی (ایران) قرار نگرفته است.

استانداردهای حسابرسی حسابرسان را ملزم می‌کند که خطرات تحریف با اهمیت را در ارزیابی ریسک حسابرسی، از جمله خطرات مربوط به صنعت صاحبکار، در نظر بگیرند. انحراف از هنجارهای صنعت منجر به افزایش ریسک‌های شرکتی مانند ریسک استراتژیک، ریسک بازار و نوسانات سهام می‌شود؛ که در نهایت ممکن است منجر به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و عملکرد مالی ضعیف شود (مک نامارا و همکاران، ۲۰۰۳).

¹ Simunic

² Hay

³ Xue and O'Sullivan

⁴ Bjornsen et al

⁵ Alessandri & Khan

⁶ McNamara et al

⁷ Chatterjee

تحقیقات قبلی استدلال می‌کنند مدیران هنجارشکن ممکن است برای مقابله با نگرانی‌های شغلی و جلوگیری از کاهش ارزش شرکت اقدام به رفتارهای مخرب (مانند دستکاری سود) جهت افزایش عملکرد شرکت کنند (باگینسکی^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). شرکت‌ها برای حفظ مشروعیت خود باید با همتایان خود در صنعت مطابقت داشته باشند (دیپ هاوس^۲، ۱۹۹۹). شواهد تجربی نشان می‌دهد وقتی مدیران از استراتژی‌هایی پیروی می‌کنند که شرکت را از هنجارهای ریسک صنعت منحرف می‌کند، عملکرد بازار شرکت کاهش می‌یابد (الساندری و خان، ۲۰۰۶). از این رو، انتظار می‌رود که حسابرسان در ارزیابی صورت‌های مالی این شرکت‌ها با پیچیدگی و عدم اطمینان بیشتری مواجه شوند. در نتیجه، شرکت‌های منحرف از هنجارهای صنعت ممکن است ریسک حسابرسی قابل توجه و قابل شناسایی تری نسبت به سایر شرکت‌ها داشته باشند که در نهایت منجر به افزایش حجم عملیات حسابرسی و به تبع آن هزینه‌های حسابرسی بالاتر شود.

علاوه بر این، یک موضوع مهم دیگر نقش تعدیل‌کننده ویژگی‌های حسابرسان بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی است. حسابرسان بزرگ نسبت به سایر حسابرسان، حسابرسی با کیفیت بالاتری ارائه می‌دهند؛ چرا که از منابع و سرمایه مالی و انسانی کافی برخوردارند و آگاهی بیشتری نسبت به فعالیت‌های صنعت دارند، در نتیجه حق الزحمه بالاتری دریافت می‌کنند (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین، پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان بزرگ دارای سطح کمتری از اقلام تعهدی اختیاری و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کمتری نسبت به شرکت‌هایی که توسط سایر حسابرسان حسابرسی شده‌اند، هستند (فرانسیس و همکاران^۳، ۱۹۹۹؛ لینوکس و پیتمن^۴، ۲۰۱۰). به علاوه، حسابرسان متخصص در یک صنعت به احتمال زیاد آگاهی و توجه بیشتری از اطلاعات در سطح صنعت نسبت به سایر حسابرسان دارند (ریچلت و وانگ^۵، ۲۰۱۰). به طور خاص، شواهد تجربی نشان می‌دهد که حسابرسان متخصص در صنعت، حسابرسی با کیفیت بالاتری نسبت به حسابرسان غیر متخصص ارائه می‌دهند (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۷؛ مشایخ و همکاران، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، مطالعات قبلی حاکی از آن است که شرکای حسابرسی زن نسبت به همتایان مرد خود کیفیت حسابرسی بالاتری ارائه می‌دهند؛ چرا که آن‌ها محافظه کارتر و ریسک‌گریزتر هستند و کمتر تحت تأثیر جنبه تجاری حسابرسی قرار می‌گیرند (ژو و اوسالیوان، ۲۰۲۳). بنابراین، از آنجا که کیفیت حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی در ارتباط است؛ انتظار می‌رود که انتخاب حسابرسان بزرگ و متخصص صنعت و جنسیت شرکای حسابرسی بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد.

¹ Baginski et al

² Deephouse

³ Francis et al

⁴ Lennox & Pittman

⁵ Reichelt & Wang

با عنایت به ادبیات فوق، هدف اصلی این پژوهش در وهله اول، بررسی ارتباط بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی و در وهله دوم بررسی نقش ویژگی‌های حسابرسی بر ارتباط مذکور می‌باشد.

۲- مبانی نظری و بسط فرضیه‌های پژوهش

۲-۱- حق الزحمه حسابرسی و عوامل مؤثر بر آن

حسابرسی یک جزء حیاتی از حاکمیت شرکتی است که بررسی مستقلی از وضعیت مالی سازمان ارائه می‌دهد. حق الزحمه حسابرسی پاداش اقتصادی برای حسابرسانی است که خدمات حسابرسی مستقل را ارائه می‌دهند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۲). حق الزحمه حسابرسی نه تنها بر کیفیت حسابرسی، بلکه بر توسعه شرکت‌های حسابداری و صنعت حسابرسی نیز تأثیر می‌گذارد. همانطور که توسط تحقیقات قبلی (نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹؛ هی و همکاران، ۲۰۰۶؛ ایرلی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱) مستند شده است، در چهار دهه گذشته شاهد علاقه علمی قابل توجهی به عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی بوده‌ایم. تحقیقات قبلی تأثیر نسبتاً ثابت و مستقیم اندازه، پیچیدگی و ریسک شرکت صاحبکار بر حق الزحمه را شناسایی کردند (هی و همکاران، ۲۰۰۶؛ حیدرپور و جعفری، ۱۳۹۵). به طور خاص، در بررسی شرکت‌های ایرانی، نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) دریافتند که متغیرهای اندازه شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع مؤسسه حسابرسی و همچنین تورم اقتصادی ارتباط مستقیمی با حق الزحمه حسابرسی دارند. علاوه بر این، تحقیقات بر تأثیر جنبه‌های مختلف حاکمیت شرکتی صاحبکار متمرکز بوده و دریافتند که هیئت مدیره مستقل‌تر و کیفیت کمیته‌های حسابرسی با هزینه‌های حسابرسی بالاتر مرتبط هستند (میسرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۹؛ اورادی و لاری دشت بیاض، ۱۳۹۵). یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی اثرگذار بر حق الزحمه حسابرسی، ویژگی‌های حسابرسی به ویژه اندازه و تخصص حسابرسی در صنعت است (نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹؛ هی و همکاران، ۲۰۰۶). عواملی همچون جنسیت، نرخ شکنی و رقابت در بازار حسابرسی نیز بر حق الزحمه حسابرسی اثرگذار است (عزیزخانی و همکاران، ۲۰۲۲؛ ژو و اوسالیوان، ۲۰۲۳). به علاوه، مطالعات قبلی نشان می‌دهد که هزینه‌های حسابرسی منعکس کننده تلاش حسابرسی است و مرتبط با پاسخ حسابرسان به ریسک شرکت صاحبکار است (هی و همکاران، ۲۰۰۶).

۲-۲- انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی

چشم انداز کسب و کار با طیف وسیعی از صنایع مشخص می‌شود که هر کدام مجموعه‌ای از هنجارها، شیوه‌ها و استانداردهای خاص خود را دارند. هنجارهای صنعتی یا استانداردهای صنعتی، دستورالعمل‌ها و روش‌هایی هستند که در یک صنعت یا حوزه خاص توسط سازمان‌ها و نهادهای معتبر تعیین می‌شوند. این استانداردها

¹ Eirle et al

² Mitra et al

معمولاً شامل توصیه‌ها و روش‌های بهترین عملکرد در آن صنعت هستند که به شرکت‌ها کمک می‌کنند به طور بهینه عمل کنند و با سایر شرکت‌ها قابل مقایسه باشند (مک نامارا و همکاران، ۲۰۰۳). در واقع، این هنجارها مبنایی برای ارزیابی عملکرد و سلامت مالی یک شرکت در صنعت آن است. هنگامی که یک شرکت از هنجارهای صنعت منحرف می‌شود، به این معنی است که به شیوه‌ای عمل می‌کند که به طور قابل توجهی با رویه‌ها و استانداردهایی که معمولاً در بخش آن مشاهده می‌شود، متفاوت است. برای مثال، زمانی که عملکرد یک شرکت نسبت به بقیه شرکت‌ها انحراف بالاتری دارد، می‌توان نتیجه گرفت که این شرکت از هنجارهای صنعتی منحرف شده است (الساندری و خان، ۲۰۰۶). در این رابطه، مطالعه‌ی الساندری و خان (۲۰۰۶) نشان داد که وقتی مدیران استراتژی‌هایی را دنبال می‌کنند که شرکت را از هنجارهای ریسک صنعت منحرف می‌کند، عملکرد بازار شرکت کاهش می‌یابد.

افزون بر این، عوامل داخلی شرکت مانند سیاست‌های مدیریتی، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی و توانایی‌ها نیز در انحراف از هنجارهای صنعتی دخیل هستند (گلتکانیسز و همبریک، ۱۹۹۷). چاترجی و همکاران (۱۹۹۹) بیان می‌دارند که انحراف از هنجارهای صنعت می‌تواند به روش‌های رخ دهد؛ مانند استفاده از روش‌های مختلف حسابداری، عدم افشای اطلاعات مربوطه، یا دستکاری صورت‌های مالی برای دستیابی به نتیجه مطلوب. این اقدامات ممکن است منجر به تحریفات مالی شود که می‌تواند عواقب حقوقی و مالی قابل توجهی را برای شرکت به همراه داشته باشد (چاترجی و همکاران، ۱۹۹۹). به ویژه، از آنجا که سرمایه‌گذاران این هنجارها را به عنوان یک اصل بدیهی می‌پذیرند، انحراف از هنجارهای صنعت می‌تواند سردرگمی و عدم اطمینان را در بین آنها ایجاد کند، به ویژه سرمایه‌گذارانی که برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری آگاهانه به صورت‌های مالی متکی هستند (مک نامارا و همکاران، ۲۰۰۳). افزون بر این، اگر شرکتی از هنجارهای صنعت عدول کند، ممکن است اعتماد عمومی به شرکت کاهش یابد. این موضوع می‌تواند منجر به کاهش ارزش سهام شرکت و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری شود (الساندری و خان، ۲۰۰۶). در مجموع، انحراف از هنجارهای صنعت ممکن است منجر به یک زمین بازی ناهموار شود که پیامدهای منفی برای کل صنعت در پی دارد (بیورنسن و همکاران، ۲۰۲۰).

طبق تئوری نهادی^۲، انحراف از هنجارهای صنعت به دلیل چالش‌های مشروعیت و کاهش توانایی دسترسی به منابع، برای عملکرد شرکت مضر است (گلتکانیسز و همبریک، ۱۹۹۷). مدیران ممکن است عمداً یا ناخواسته از هنجارها منحرف شوند. به بیان دیگر، آنها ممکن است بخواهند به هنجارها پایبند باشند، اما انحراف از هنجارها ممکن است به دلیل محدودیت منابع باشد (الساندری و خان، ۲۰۰۶). علاوه بر این، تئوری رفتاری^۳ توضیح می‌دهد که مدیران ممکن است برای رسیدن به سطوح عملکرد بالا، انتخاب‌های پرخطری را دنبال

^۱ Geletkanycz & Hambrick

^۲ Institutional theory

^۳ Behavioral theory

کنند که از هنجارهای فعلی منحرف می‌شوند (فیگنباوم و توماس^۱، ۱۹۸۶). در نتیجه، علی‌رغم چالش‌های بالقوه مشروعیت و مشکلات بالقوه، مدیران ممکن است استراتژی‌هایی را دنبال کنند که با رقبای خود در صنعت متفاوت است (الساندری و خان، ۲۰۰۶). در نتیجه، اگر شرکتی از هنجارهای صنعت عدول کند، احتمال خطا در گزارشگری مالی شرکت افزایش می‌یابد. این می‌تواند منجر به افزایش ریسک حسابرسی شود و حسابرسان ممکن است نیاز به انجام بررسی‌های اضافی داشته باشند (راسر^۲، ۲۰۱۷).

به طور خاص، استانداردهای حسابرسی، حسابرسان را ملزم می‌کنند که هنگام ارزیابی ریسک، شرایط موجود در صنعت صاحبکار و به ویژه اطلاعات در سطح صنعت را در نظر بگیرند. در واقع، فرایند ارزیابی ریسک، حسابرسان را ملزم به دستیابی به درک درستی از وقایع، شرایط و فعالیت‌های شرکت می‌کند که منطقیاً انتظار می‌رود تأثیر بسزایی در خطر ارائه نادرست با اهمیت داشته باشد (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^۳، ۲۰۱۰). شرکت‌هایی که از هنجارهای صنعت منحرف می‌شوند، اغلب الزامات گزارشگری مالی پیچیده‌تری دارند (بیورنسن و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، زمانی که یک شرکت از هنجارهای صنعت منحرف می‌شود، پیچیدگی فرآیند حسابرسی افزایش می‌یابد و حسابرسان بایستی زمان بیشتری را صرف تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی کنند تا از صحت آن‌ها اطمینان حاصل نمایند. این موضوع می‌تواند منجر به افزایش ریسک حسابرسی و خطر بالاتر شکست حسابرسی شود، زیرا حسابرسان ممکن است نتوانند تحریف‌های مالی را کشف کنند. در نتیجه، انحراف یک شرکت از هنجارهای صنعت می‌تواند تأثیر مستقیمی بر حق‌الزحمه حسابرسی داشته باشد. راسر (۲۰۱۷) بیان می‌دارد که حسابرسان از شهرت خود و تأثیر بالقوه ارتباط با شرکت‌هایی که از هنجارهای صنعت منحرف می‌شوند، آگاه هستند. تعامل با شرکت‌هایی که رفتار غیرعادی یا عدم انطباق از خود نشان می‌دهند، ممکن است حسابرسان را در معرض بررسی دقیق‌تر و خطر شهرت قرار دهد. برای کاهش این خطر، حسابرسان ممکن است برای جبران تأثیر بالقوه بر وضعیت حرفه‌ای خود، حق الزحمه بیشتری درخواست کنند. مطابق با این ادعا، راسر (۲۰۱۷) دریافت که بین حق‌الزحمه حسابرسان و معیارهای انحراف از هنجارهای صنعت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در مجموع، با توجه به استدلال‌های نظری و تجربی فوق، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: انحراف از هنجارهای صنعت تأثیر مثبت و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

¹ Fiegenbaum & Thomas

² Rosser

³ Public Company Accounting Oversight Board

۳-۲- نقش تعدیلگر ویژگی‌های حسابرسی

هیئت استانداردهای حسابرسی و اطمینان‌بخشی بین‌المللی^۱ (۲۰۱۱) کیفیت حسابرسی را یک مفهوم پیچیده و چند بُعدی می‌داند. دی‌آنجلو^۲ (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را این گونه تعریف کرده است: "سنجش و ارزیابی بازار از توانایی حسابرسان در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت". در این راستا، در اکثریت تحقیقات حسابرسی از ویژگی‌های مؤسسه‌های حسابرسی و شاخص‌های فردی به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی استفاده شده است (آزاد و کاظمی، ۱۳۹۵). بنابراین، در این مطالعه مطابق با تحقیقات پیشین از ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی شامل اندازه، تخصص در صنعت و جنسیت حسابرسان به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی استفاده می‌شود (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳؛ حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۷؛ مشایخ و همکاران، ۱۴۰۱؛ لینوکس و پیتمن، ۲۰۱۰؛ ژو و اوسالیوان، ۲۰۲۳).

از آنجا که در ایران مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ بین‌المللی وجود ندارد، تحقیقات داخلی از سازمان حسابرسی به عنوان حسابرسان بزرگ و قدیمی نام می‌برند. واعظ و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که حق‌الزحمه دریافتی سازمان حسابرسی نسبت به سایر موسسات بالاتر است. طبق ادبیات، مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ به دلیل شهرت بالا، از حسابرسان با تجربه و کنترل کیفی بالاتری برخوردار هستند؛ بنابراین کیفیت حسابرسی بالاتری ارائه می‌دهند (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳). مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ در قوانین پیچیده حسابداری توانایی و مهارت بیشتری دارند؛ همچنین تخصص داخلی آنها نیز بیشتر است (لاورنس^۳ و همکاران، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، صاحبکاران بزرگ دارای امکانات و منابع مالی بیشتری هستند و احتمال بیشتری می‌رود که هنگام ورشکستگی علیه حسابرسان مستقل اقامه دعوی کنند. این منجر به افزایش ریسک حسابرسی می‌شود و حسابرسان بزرگ برای خنثی کردن اثر ریسک حسابرسان صاحبکاران بزرگ، حق‌الزحمه بالاتری را مطالبه می‌کنند (لاورنس و همکاران، ۲۰۱۱). راسر (۲۰۱۷) دریافت که اثر اندازه حسابرسان بر ارتباط بین انحرافات از هنجارهای صنعت و حق‌الزحمه حسابرسی مثبت و معنادار است. با توجه به توضیحات فوق؛ انتظار می‌رود که حسابرسان بزرگ با احتمال بیشتری انحراف از هنجارهای صنعت و احتمال تحریفات با اهمیت به دلیل انحراف را نسبت به سایر حسابرسان درک کنند و در نتیجه ریسک و حق‌الزحمه بالاتری را در نظر بگیرند. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه دوم: اندازه حسابرسان بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق‌الزحمه حسابرسی اثر مثبت و معناداری دارد.

تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که حسابرسان متخصص صنعت نسبت به حسابرسان غیرمتخصص، حسابرسی با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. برای مثال، ادبیات قبلی نشان می‌دهد که حسابرسان به عنوان

¹ International Auditing And Assurance Standards Board

² De Angelo

³ Lawrence

متخصص صنعت شهرت پیدا می‌کنند (کراسول^۱ و همکاران، ۱۹۹۵) و اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌هایی که حسابرسان متخصص صنعت دارند نسبت به سایر شرکت‌ها پایین تر است (بالسام^۲ و همکاران، ۲۰۰۳)، علاوه بر این، حسابرسان متخصص صنعت ممکن است نسبت به اطلاعات سطح صنعت واکنش بیشتری نشان دهند، زیرا آن‌ها نیز احتمالاً نسبت به سایر حسابرسان از اطلاعات سطح صنعت آگاه‌تر و توجه بیشتری به آن دارند. به این دلایل، انتظار می‌رود که در مقایسه با حسابرسان غیر متخصص، حسابرسان متخصص صنعت با احتمال بیشتری انحراف از هنجارهای صنعت و احتمال تحریفات با اهمیت را درک کنند و ریسک و حق الزحمه بالاتری را در نظر بگیرند (راسر، ۲۰۱۷). با این حال، افزایش شناخت قبلی از صنعت صاحبکار توسط حسابرسان متخصص صنعت می‌تواند باعث کاهش زمان مورد نیاز برای شناخت فعالیت صاحبکار، کاهش هزینه و در نتیجه کاهش حق الزحمه حسابرسی به طور عادی شود (آکیف^۳ و همکاران، ۱۹۹۴). شواهد تجربی موجود در ایران نیز حاکی از اثر منفی تخصص حسابرسان در صنعت بر حق الزحمه حسابرسی است (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین، فرضیه سوم پژوهش به صورت زیر بیان می‌گردد:

فرضیه سوم: تخصص حسابرسان در صنعت بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی اثر معناداری دارد.

در نهایت، ادبیات حسابرسی نشان می‌دهد که در مقایسه با حسابرسان مرد، حسابرسان زن اخلاقی‌تر، محافظه‌کارتر و ریسک‌گریزتر هستند و کمتر تحت تأثیر جنبه تجاری حسابرسی قرار می‌گیرند (ژو و اوسالیوان، ۲۰۲۳). بنابراین، از حسابرسان زن انتظار می‌رود که نظارت عالی را ارائه دهند و کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی را افزایش دهند. در این رابطه، ادبیات تفاوت‌های جنسیتی تأیید می‌کند که کیفیت حسابرسی برای شرکای حسابرسی زن نسبت به شرکای حسابرسی مرد بالاتر است (ایتونن^۴ و همکاران، ۲۰۱۳؛ گارسیا-بلندون^۵ و همکاران، ۲۰۱۹، اووسو^۶ و همکاران، ۲۰۲۲). در ارتباط با اثر جنسیت حسابرسان بر حق الزحمه حسابرسی، هر دو نظریه سمت عرضه و تقاضای حسابرسی استدلال‌هایی را ارائه می‌دهند که از حق الزحمه بالاتر حسابرسان زن حمایت می‌کند. از دیدگاه طرف عرضه، این حق الزحمه با تلاش حسابرسی بیشتر در مقایسه با حسابرسان مرد به دلیل تفاوت‌های جنسیتی در ریسک‌گریزی و اعتماد بیش از حد توضیح داده می‌شود. از سوی دیگر، از منظر تقاضا، مشتریان مؤسسه حسابرسی که بیشتر به کیفیت خدمات حسابرسی اهمیت می‌دهند، باید مایل به پرداخت حق الزحمه بالاتر برای استخدام یک حسابرسان زن باشند. برخی از مطالعات مزایای مستقیم را از نظر افزایش کیفیت گزارشگری مالی مرتبط با استخدام حسابرسان زن گزارش

¹ Craswell

² Balsam

³ O'Keefe

⁴ Ittonen

⁵ Garcia-Blandon

⁶ Owusu

کرده‌اند (گارسیا-بلندون و همکاران، ۲۰۱۹، اووسو و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، مطالعات قبلی نتایج متناقضی را در رابطه با اثر جنسیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی گزارش کرده‌اند. برخی مطالعات حاکی از رابطه مثبت بین شریک حسابرسی زن و حق الزحمه حسابرسی (ایتونن و همکاران، ۲۰۱۳؛ سلامی و چریف^۱، ۲۰۱۷؛ هاردیس^۲ و همکاران، ۲۰۱۵) و برخی دیگر رابطه منفی بین شریک حسابرسی زن و حق الزحمه حسابرسی گزارش دادند (کامران^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). با بررسی شرکت‌های ایرانی، گرنندل و آزادی (۱۴۰۰) نیز اثر منفی حسابرسی زن بر حق الزحمه حسابرسی را گزارش کرده‌اند. بنابراین، با توجه به استدلال‌های فوق، فرضیه چهارم پژوهش به صورت زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه چهارم: جنسیت حسابرسی بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی اثر معناداری دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. در این مطالعه جهت اینکه نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، از رویکرد حذف سیستماتیک استفاده شده است. برای این منظور چهار معیار زیر در نظر گرفته شده و اگر شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و مابقی حذف می‌شوند: (۱) شرکت قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و تا پایان سال ۱۴۰۰ در بورس فعال باشند، (۲) اطلاعات مورد نیاز تحقیق به ویژه حق الزحمه حسابرسی را افشا کرده باشد، (۳) سال مالی و نوع فعالیت خود را به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ تغییر نداده باشند، (۴) به لحاظ ساختار گزارشگری جداگانه‌ای که شرکت‌های واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری (بانک‌ها، موسسات مالی، بیمه‌ها، لیزینگ‌ها و هلدینگ‌ها) دارند از نمونه تحقیق حذف می‌شوند. در نهایت بعد از اعمال معیارهای فوق، ۱۶۲ شرکت (مشاهده ۱۲۹۶) نمونه نهایی پژوهش را تشکیل داد. با این حال، از آنجا که برخی از شرکت‌های نمونه اطلاعات حق الزحمه حسابرسی را به طور کامل در طی سال‌های تحقیق افشا نکرده‌اند، نمونه نهایی به ۱۱۲۸ مشاهده سال-شرکت (پانل نامتوازن) کاهش یافت. همچنین، تمام متغیرهای پیوسته در صدک ۱ و ۹۹ وینسورایز شدند تا مشاهدات پرت حذف شوند. تجزیه و تحلیل آماری نیز در نرم افزار استاتا نسخه ۱۷ انجام شد.

¹ Sellami & Cherif

² Hardies

³ Cameran

۳-۲- مدل و متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی زیر استفاده می‌گردد:

$$\begin{aligned}
 AudFee_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 DIN_{it} + \alpha_2 AudBig_{it} + \alpha_3 AudExp_{it} + \alpha_4 AudGen_{it} + \alpha_5 AudTenure_{it} \\
 & + \alpha_6 AudRank_{it} + \alpha_7 AudOpinion_{it} + \alpha_8 Ret_{it} + \alpha_9 Vol_{it} + \alpha_{10} ZScore_{it} \\
 & + \alpha_{11} Lev_{it} + \alpha_{12} LnAT_{it} + \alpha_{13} Profit_{it} + \alpha_{14} Curr_{it} + \alpha_{15} FCF_{it} \\
 & + \alpha_{16} CFVol_{it} + \alpha_{17} RevVol_{it} + \alpha_{18} Loss_{it} + \alpha_{19} ConOwner_{it} \\
 & + \alpha_{20} InstOwner_{it} + \alpha_{21} MTenure_{it} + \alpha_{22} BInd_{it} \\
 & + \alpha_{23} BSize_{it} + \alpha_j YearFE_{it} + \alpha_j IndustryFE_{it} + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}
 \tag{1}$$

مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی زیر نیز برای آزمون فرضیه دوم تا چهارم پژوهش به کار برده شده است:

$$\begin{aligned}
 AudFee_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 DIN_{it} + \alpha_2 AudBig_{it} + \alpha_3 AudExp_{it} + \alpha_4 AudGen_{it} + \alpha_5 DIN_{it} \\
 & * AudBig_{it} + \alpha_6 DIN_{it} * AudExp_{it} + \alpha_7 DIN_{it} * AudGen_{it} \\
 & + \alpha_8 AudTenure_{it} + \alpha_9 AudRank_{it} + \alpha_{10} AudOpinion_{it} + \alpha_{11} Ret_{it} \\
 & + \alpha_{12} Vol_{it} + \alpha_{13} ZScore_{it} + \alpha_{14} Lev_{it} + \alpha_{15} LnAT_{it} + \alpha_{16} Profit_{it} \\
 & + \alpha_{17} Curr_{it} + \alpha_{18} FCF_{it} + \alpha_{19} CFVol_{it} + \alpha_{20} RevVol_{it} + \alpha_{21} Loss_{it} \\
 & + \alpha_{22} ConOwner_{it} + \alpha_{23} InstOwner_{it} + \alpha_{24} MTenure_{it} + \alpha_{25} BInd_{it} \\
 & + \alpha_{26} BSize_{it} + \alpha_j YearFE_{it} + \alpha_j IndustryFE_{it} + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}
 \tag{2}$$

۳-۳-۱- متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی (*AudFee*) متغیر وابسته تحقیق بوده که با لگاریتم طبیعی حق الزحمه پرداختی به موسسه حسابرسی محاسبه می‌گردد (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵). اطلاعات مربوط به حق الزحمه حسابرسی از بخش هزینه‌های اداری و عمومی و فروش صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی استخراج شده است.

۳-۳-۲- متغیر مستقل

متغیر مستقل تحقیق انحراف از هنجارهای صنعت است (*DIN*). برای اندازه‌گیری هنجارهای صنعت، روش‌های مختلفی وجود دارد که یکی از روش‌ها استفاده از شاخص‌های ریسک و نسبت‌های مالی است. این شاخص‌ها و نسبت‌ها می‌توانند شامل نسبت‌های سودآوری، روند رشد، بحران مالی، نسبت‌های بدهی و سایر نسبت‌های مالی مربوط به صنعت مورد نظر باشند (الساندری و خان، ۲۰۰۶). پیرو مطالعات قبلی (الساندری و خان، ۲۰۰۶؛ راسر، ۲۰۱۷)، این مطالعه از مجموع چهار عامل ریسک صنعت شامل بازده سهام شرکت، نوسانات روزانه بازده سهام، بحران مالی و اهرم مالی برای محاسبه انحراف از هنجارهای صنعت استفاده می‌کند. بر این اساس، معادله ریاضی زیر برای محاسبه انحراف از هنجارها در سطح هر یک از صنایع به کار برده می‌شود:

$$DevVar = \frac{(Var - median(Var_{jt}))}{median_sd (Var_{it})_{jt}} \quad (3)$$

در فرمول بالا، i نشان دهنده یک شرکت است، j نشان دهنده صنعت و t سال مالی را نشان می‌دهد. علاوه بر این، Var منعکس‌کننده هر یک از عوامل ریسک (یعنی؛ بازده سهام شرکت، نوسانات روزانه بازده سهام، بحران مالی و اهرم مالی) است. $median_sd (Var_{it})_{jt}$ نیز با معادله زیر محاسبه می‌شود:

$$median_sd (Var_{it})_{jt} = \frac{\sum |Var - median(Var_{jt})|^2}{n} \quad (4)$$

سپس با استفاده از معادله ۳ و با جایگزینی هر یک از عوامل ریسک به عنوان Var در معادله، انحراف از هنجارها اندازه‌گیری می‌شود. به طور مشخص برای چهار فاکتور ریسک:

(۱) Ret جایگزین Var در معادله ۳ شده است. Ret برابر است با بازده سهام شرکت در سال جاری ضرب منفی یک. سپس، $DevRet$ یک متغیر دو وجهی تعریف می‌شود. به این ترتیب که اگر انحراف محاسبه شده با Ret در یک سوم بالای توزیع نمونه (مشاهدات) در سال مالی باشد (انحراف بالا) مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد (راسر، ۲۰۱۷).

(۲) Vol جایگزین Var در معادله ۳ شده است. Vol انحراف معیار از بازده روزانه سهام شرکت نسبت به سال مالی قبل را نشان می‌دهد. سپس، $DevVol$ یک متغیر دو وجهی تعریف می‌شود که اگر انحراف محاسبه شده با Vol در یک سوم بالای توزیع نمونه (مشاهدات) در سال مالی باشد (انحراف بالا) مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد (راسر، ۲۰۱۷).

(۳) $ZScore$ جایگزین Var در معادله ۳ شده است. $ZScore$ برابر است با امتیاز درماندگی مالی شرکت ضرب در منفی یک. مقادیر بالاتر $ZScore$ بیانگر سلامت مالی شرکت است؛ بنابراین در منفی یک ضرب می‌گردد. سپس، $DevZScore$ یک متغیر دو وجهی تعریف می‌شود که اگر انحراف محاسبه شده با $ZScore$ در یک سوم بالای توزیع نمونه در سال مالی باشد (انحراف بالا) مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد (راسر، ۲۰۱۷). لازم به ذکر است که امتیاز درماندگی مالی با استفاده از مدل آلتمن^۱ (۱۹۶۸) تعدیل شده توسط شوموی^۲ (۲۰۰۱) به شرح محاسبه شده است:

$$ZScore = \left[\frac{1.2 \times WC}{TA} + \frac{0.6 \times RE}{TA} + \frac{10.0 \times EBIT}{TA} + \frac{0.05 \times ME}{TL} - \frac{0.47 \times S}{TA} \right] \times [-1]$$

^۱ Altman

^۲ Shumway

که در آن؛ WC دارایی‌های جاری منهای بدهی‌های جاری، TA مجموع دارایی‌ها، RE سود انباشته، EBIT سود قبل از بهره و مالیات؛ ME قیمت پایان سال سهام عادی، و S مجموع فروش است.

۴) *Lev* جایگزین *Var* در معادله ۳ شده است. *Lev* اهرم مالی شرکت (نسبت بدهی به دارایی) را نشان می‌دهد. سپس، *DevLev* یک متغیر دو وجهی تعریف می‌شود که اگر انحراف محاسبه شده با *Lev* در یک سوم بالای توزیع نمونه (مشاهدات) در سال مالی باشد (انحراف بالا) مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد (راسر، ۲۰۱۷).

در نهایت؛ مجموع مقادیر ۴ انحراف بالا (*DevRet*, *DevVol*, *DevZScore*, *DevLev*) بیانگر انحراف از هنجارهای صنعت (*DIN*) است. به طور خاص، مقدار بالاتر *DIN* نشان دهنده انحراف بیشتر از هنجارهای صنعت است (راسر، ۲۰۱۷).

۳-۳-۲- متغیرهای تعدیلگر

اندازه حسابرسی (*AudBig*): مقدار یک را می‌گیرد اگر سازمان حسابرسی به عنوان حسابرسی شرکت استخدام شده باشد، در غیر این صورت مقدار آن صفر است (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳).

تخصص حسابرسی در صنعت (*AudExp*): مقدار یک را می‌گیرد اگر حسابرسی دارای تخصص در صنعت باشد، در غیر این صورت مقدار آن صفر است (راسر، ۲۰۱۷). برای اندازه‌گیری تخصص حسابرسان در صنعت از رویکرد سهم بازار استفاده می‌شود. هرچه سهم بازار حسابرسان بیشتر باشد، تخصص در صنعت حسابرسان نسبت به سایر حسابرسان بیشتر است. سهم بازار حسابرسان از تقسیم جمع دارایی‌های تمام صاحبکاران هر مؤسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص بر دارایی‌های تمام صاحبکاران در صنعت خاص محاسبه می‌شود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۹). سپس، حسابرسانی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (یعنی نسبت فوق) بیش از $1/2 \times$ (شرکت‌های موجود در یک صنعت/۱) باشد.

جنسیت حسابرسی (*AudGen*): مقدار یک را می‌گیرد اگر یکی از حسابرسان امضا کننده گزارش حسابرسی زن باشند، در غیر این صورت مقدار آن صفر است (گرندل و آزادی، ۱۴۰۰؛ اووسو و زالاتا، ۲۰۲۳).

۳-۳-۲- متغیرهای کنترلی

پیرو مطالعات قبلی (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵؛ هی و همکاران، ۲۰۰۶؛ میسرا و همکاران، ۲۰۱۹) عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی کنترل شده است. ویژگی‌های حسابرسان (اندازه، تخصص و جنسیت) در مدل اول به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده‌اند. سایر متغیرهای حسابرسی اثرگذار بر حق الزحمه حسابرسی به شرح کنترل شده است:

دوره تصدی موسسه حسابرسی (*AudTenure*): تعداد سال‌هایی که یک موسسه حسابرسی به عنوان حسابرسی خدمت می‌کند. سال پایه برای این متغیر سال ۱۳۸۲ در نظر گرفته شده است.

رتبه بندی موسسه حسابرسی (*AudRank*): برابر است با امتیاز کنترل کیفیت موسسات حسابرسی (از ۱ تا ۴) ارائه شده توسط جامعه حسابداران رسمی. در این رتبه بندی سازمان حسابرسی لحاظ نمی‌شود. به همین دلیل، در پژوهش حاضر به سازمان حسابرسی نیز امتیاز الف (۴) داده می‌شود.

اظهار نظر حسابرسی (*AudOpinion*): مقدار یک را می‌گیرد اگر اظهار نظر حسابرسی از نوع تعدیل شده باشند، در غیر این صورت مقدار آن صفر است.

فاکتورهای خام ریسک مرتبط با انحراف از هنجارهای صنعت شامل بازدهی سهام (*Ret*)، نوسانات بازده روزانه (*Vol*)، درماندگی مالی (*ZScore*) و اهرم مالی (*Lev*) نیز کنترل شده است. تعاریف این متغیرها در بخش ۳-۲-۲ ارائه شده است.

علاوه بر این، سایر ویژگی‌های شرکت، مالکیت سهام شرکت و ویژگی‌های هیئت‌مدیره نیز به شرح زیر کنترل شده است:

اندازه شرکت (*LnAT*): لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها.

سودآوری (*Profit*): نسبت سود خالص به دارایی‌ها.

نسبت جاری (*Curr*): دارایی‌های جاری تقسیم بر بدهی‌های جاری.

جریان‌های نقد آزاد (*FCF*): جریان‌های نقدی عملیاتی منهای مخارج سرمایه‌ای تقسیم بر دارایی‌های جاری.

انحراف جریان نقد عملیاتی (*CF Vol*): لگاریتم انحراف استاندارد از جریان‌های نقدی عملیاتی خالص شرکت در سه سال قبل.

انحراف فروش (*Rev Vol*): لگاریتم انحراف استاندارد از کل درآمدهای شرکت در سه سال قبل.

زیان (*Loss*): مقدار یک را می‌گیرد اگر شرکت زیان خالص داشته باشد در غیر این صورت مقدار آن صفر است.

تمرکز مالکیت (*ConOwner*): مجموع درصد سرمایه‌گذاران عمده شرکت (بیش از ۵ درصد).

مالکیت نهادی (*InstOwner*): درصد سرمایه‌گذاران نهادی مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری.

دوره تصدی مدیریت (*MTenure*): تعداد سال‌هایی که مدیرعامل در این پست خدمت می‌کند. سال پایه برای این متغیر سال ۱۳۸۲ در نظر گرفته شده است.

استقلال هیئت‌مدیره (*Bind*): درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره.

اندازه هیئت‌مدیره (*BSize*): تعداد اعضای هیئت‌مدیره.

اثرات ثابت سال (*YearFE*): متغیرهای مجازی سال مالی برای کنترل اثرات سال و تورم.

اثرات ثابت صنعت (*IndustryFE*): متغیرهای مجازی صنعت برای کنترل اثرات صنعت.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین متغیر وابسته؛ یعنی لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی ۷/۳۲۲ است و بیشینه و کمینه آن به ترتیب ۹/۲۰ و ۵/۴۱۶ می‌باشد. میانگین متغیر مستقل یعنی انحراف از هنجارهای صنعت ۱/۳۱۶ است و بیشینه و کمینه آن به ترتیب ۴ و صفر می‌باشد. در جدول ۲ فراوانی متغیرهای دو وجهی (گسسته) ارائه شده است. طبق این جدول، فراوانی اندازه حسابرسی ۱۸۶ با درصد ۱۶/۴۸ است. تقریباً ۶۱ درصد حسابرسان دارای تخصص در صنعت هستند (فراوانی: ۶۹۵) و ۱۱ درصد از حسابرسان امضا کننده گزارش خانم بوده‌اند (فراوانی: ۱۲۸). علاوه بر این، حدود ۴۰ درصد از گزارشات حسابرسی با اظهار نظر تعدیل شده (مشروط) با فراوانی ۴۵۳ می‌باشد.

جدول ۱، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی	7.322	7.299	0.837	9.200	5.416
انحراف از هنجارهای صنعت	1.316	1.000	1.039	4.000	0.000
دوره تصدی موسسه حسابرسی	3.937	3.000	4.215	19.000	1.000
رتبه موسسات حسابرسی	3.808	4.000	0.579	4.000	1.000
بازدهی سالانه سهام (-۱)	-0.907	-0.244	1.878	0.685	-9.356
انحراف استاندارد بازده روزانه	0.031	0.029	0.013	0.079	0.009
درماندگی مالی	-1.949	-1.705	1.886	2.210	-6.810
اهرم مالی	0.594	0.591	0.227	1.215	0.132
اندازه شرکت	14.615	14.497	1.473	19.774	11.639
سودآوری	0.141	0.118	0.149	0.560	-0.238
نسبت جاری	1.705	1.399	1.091	6.858	0.373
جریان‌های نقد آزاد	0.048	0.080	0.386	0.799	-2.086
انحراف استاندارد جریان نقد عملیاتی	4.993	4.968	0.674	7.247	3.593
انحراف استاندارد فروش	5.416	5.387	0.724	7.906	3.884
تمرکز مالکیت	0.686	0.733	0.204	0.975	0.105
مالکیت نهادی	0.549	0.643	0.320	0.970	0.000
دوره تصدی مدیریت	3.690	2.000	3.699	17.000	1.000
استقلال هیئت‌مدیره	0.661	0.600	0.183	1.000	0.200
اندازه هیئت مدیره	5.028	5.000	0.237	7.000	5.000

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲، فراوانی متغیرهای دو وجهی

متغیر	فراوانی	تعداد مشاهده	درصد فراوانی
اندازه حسابرسی	۱۸۶	۱۱۲۸	٪ ۱۶.۴۸
تخصص حسابرسی در صنعت	۶۹۵	۱۱۲۸	٪ ۶۱.۶۱
جنسیت حسابرسی	۱۲۸	۱۱۲۸	٪ ۱۱.۳۴
اظهاری نظر حسابرسی	۴۵۳	۱۱۲۸	٪ ۴۰.۱۵
زیان	۱۱۵	۱۱۲۸	٪ ۱۰.۱۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۴- آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این بخش نتایج برآورد مدل‌های رگرسیونی پژوهش ارائه می‌شود. لازم به ذکر است، زمانی که اثرات سال و صنعت در مدل رگرسیونی کنترل می‌گردد؛ دیگر لزومی به استفاده از رویکرد آزمون‌های انتخاب الگوی مناسب از قبیل چاو و هاسمن در برآورد مدل نیست و مدل مدنظر بایستی به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) تخمین زده شود (افلاطونی، ۱۳۹۷). علاوه بر این، از آزمون تورم واریانس (VIF) جهت بررسی هم‌خطی در بین متغیرهای مستقل پژوهش استفاده می‌گردد. مقادیر این آزمون برای عدم وجود هم‌خطی بین صفر تا ۵ و در برخی منابع بین صفر تا ۱۰ می‌باشد. همچنین از روش خوشه‌بندی استاندارد خطاها در سطح شرکت (کلاستر کردن) برای رفع هرگونه نگرانی از بابت ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در بین جملات اخلاق مدل بهره گرفته می‌شود (افلاطونی، ۱۳۹۷).

۱-۲-۴ آزمون فرضیه اول پژوهش

نتایج رگرسیون برای فرضیه اول تحقیق در جدول ۳ ارائه شده است. مقدار ضریب تعیین (۰/۶۲۲) نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی ۶۲ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی را توضیح می‌دهند. به علاوه، سطح معناداری

جدول ۳، نتایج برآورد مدل مربوط به فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره	مقدار احتمال	VIF
مقدار ثابت	1.426	0.451	3.16	0.002	---
انحراف از هنجارهای صنعت	0.036	0.017	2.11	0.035	1.14
اندازه حسابرسی	0.506	0.079	6.37	0.000	3.37

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره	مقدار احتمال	VIF
تخصص حسابرسی در صنعت	-0.050	0.050	-1.01	0.312	1.46
جنسیت حسابرسی	0.001	0.053	0.03	0.979	1.10
دوره تصدی موسسه حسابرسی	0.004	0.007	0.57	0.571	3.20
رتبه موسسات حسابرسی	0.032	0.028	1.13	0.258	1.06
اظهار نظر حسابرسی	-0.089	0.037	-2.41	0.016	1.23
بازدهی سالانه سهام	-0.020	0.015	-1.36	0.173	1.16
انحراف استاندارد بازده روزانه	1.520	1.430	1.06	0.288	1.29
درماندگی مالی	-0.082	0.038	-2.16	0.031	9.24
اهرم مالی	-0.100	0.110	-0.91	0.361	2.28
اندازه شرکت	0.268	0.031	8.54	0.000	6.79
سودآوری	-1.192	0.461	-2.59	0.010	5.44
نسبت جاری	-0.045	0.023	-1.93	0.053	2.50
جریان‌های نقد آزاد	0.074	0.049	1.53	0.126	1.33
انحراف استاندارد جریان نقد عملیاتی	-0.025	0.048	-0.52	0.605	4.13
انحراف استاندارد فروش	0.117	0.055	2.14	0.033	4.94
زیان	0.003	0.062	0.05	0.961	1.41
تمرکز مالکیت	-0.012	0.111	-0.11	0.912	1.66
مالکیت نهادی	0.316	0.074	4.27	0.000	1.96
دوره تصدی مدیریت	-0.010	0.005	-1.99	0.047	1.22
استقلال هیئت‌مدیره	-0.263	0.097	-2.70	0.007	1.14
اندازه هیئت مدیره	0.273	0.071	3.86	0.000	1.08
اثرات سال و صنعت			لحاظ شد		
تعداد مشاهدات			۱۱۲۸		
ضریب تعیین			۰/۶۲۲		
آماره F (معناداری)			۳۸/۸۶ (۰/۰۰۰)		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آماره F (زیر یک درصد) نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی اول به‌طور مناسب برآورد شده است. نتایج آزمون عامل تورم واریانس نیز بین ۱/۰۶ تا ۹/۲۴ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای توضیحی هم‌خطی

معناداری وجود ندارد. با توجه به نتایج رگرسیونی در جدول ۳، متغیر انحراف از هنجارهای صنعت دارای ضریب مثبت (۰/۰۳۶) و مقدار احتمال (۰/۰۳۵) است. از این رو، می‌توان گفت که بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه اول این مطالعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. به سخن دیگر، حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی که سطح انحراف بالاتری از هنجارهای صنعت را تجربه می‌کنند، نسبت به سایر شرکت‌ها، بالاتر است. این یافته با استدلال‌های تحقیق در رابطه با اینکه انحراف از هنجارهای صنعت با افزایش ریسک شرکتی می‌تواند ریسک حسابرسی و به تبع آن هزینه حسابرسی را افزایش دهد، سازگار است.

در ارتباط با متغیرهای کنترلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیر اندازه حسابرسی دارای ضریب (۰/۵۰۶) و مقدار احتمال (۰/۰۰۰) است. این یافته نشان می‌دهد که سازمانی حسابرسی حق الزحمه بیشتری را نسبت به سایر حسابرسان دریافت می‌کند. با این حال، اثر تخصص حسابرسی در صنعت، جنسیت حسابرسی، دوره تصدی و رتبه موسسه حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی معنادار نیست. متغیر اظهارنظر حسابرسی دارای ضریب (۰/۰۸۹-) و مقدار احتمال (۰/۰۱۶) است. به این مفهوم که اظهارنظر تعدیل شده حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معکوسی دارد. از میان فاکتورهای ریسک مرتبط با هنجارها، تنها متغیر درماندگی مالی دارای ضریب (۰/۰۸۲-) و مقدار احتمال (۰/۰۳۱) است که نشان می‌دهد که درماندگی مالی اثر منفی بر حق الزحمه حسابرسی دارد. متغیر اندازه شرکت با ضریب (۰/۲۶۸) و مقدار احتمال (۰/۰۰۰)، حاکی از بالاتر بودن حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های بزرگ است. متغیر سودآوری دارای ضریب (۱/۱۹۲) و مقدار احتمال (۰/۰۱۰) است. به این مفهوم که با افزایش سودآوری شرکت، حق الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد. متغیر نسبت جاری دارای ضریب (۰/۰۴۵-) و مقدار احتمال (۰/۰۵۳) است. این نتیجه حاکی از آن است که نسبت جاری با حق الزحمه حسابرسی رابطه معکوسی دارد. علاوه بر این، متغیرهای انحراف از فروش (ضریب: ۰/۱۱۷) و مقدار احتمال: ۰/۰۳۳، مالکیت نهادی (ضریب: ۰/۳۱۶ و مقدار احتمال: ۰/۰۰۰) و اندازه هیئت‌مدیره (ضریب: ۰/۲۷۳ و مقدار احتمال: ۰/۰۰۰) با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارند. در مقابل، متغیرهای دوره تصدی مدیریت (ضریب: ۰/۰۱۰- و مقدار احتمال: ۰/۰۴۷) و استقلال هیئت‌مدیره (ضریب: ۰/۲۶۳ و مقدار احتمال: ۰/۰۰۷) با حق الزحمه حسابرسی ارتباط منفی و معناداری دارند. سایر متغیرهای کنترلی اثر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی ندارند.

۲-۲-۴- آزمون فرضیه دوم تا چهارم پژوهش

نتایج رگرسیون برای فرضیه دوم تا چهارم تحقیق در جدول ۴ ارائه شده است. همانند مدل قبلی، ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی ۶۲ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی را توضیح می‌دهند.

جدول ۴، نتایج برآورد مدل مربوط به فرضیه‌های دوم تا چهارم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره	مقدار احتمال	VIF
مقدار ثابت	1.314	0.452	2.91	0.004	---
انحراف از هنجارهای صنعت	0.080	0.026	3.09	0.002	2.79
اندازه حسابرسی	0.577	0.096	6.04	0.000	5.02
تخصص حسابرسی در صنعت	0.028	0.066	0.42	0.674	3.31
جنسیت حسابرسی	-0.049	0.085	-0.58	0.563	2.90
انحراف از هنجارهای صنعت* اندازه حسابرسی	-0.066	0.044	-1.50	0.135	3.25
انحراف از هنجارهای صنعت* تخصص حسابرسی در صنعت	-0.060	0.033	-1.79	0.074	3.19
انحراف از هنجارهای صنعت* جنسیت حسابرسی	0.042	0.050	0.85	0.395	4.82
دوره تصدی موسسه حسابرسی	0.004	0.007	0.57	0.571	3.20
رتبه موسسات حسابرسی	0.036	0.028	1.28	0.202	1.06
اظهار نظر حسابرسی	-0.088	0.037	-2.38	0.017	1.23
بازدهی سالانه سهام	-0.018	0.015	-1.23	0.220	1.16
انحراف استاندارد بازده روزانه	1.707	1.430	1.19	0.233	1.29
درماندگی مالی	-0.085	0.038	-2.24	0.025	9.65
اهرم مالی	-0.079	0.110	-0.72	0.471	2.29
اندازه شرکت	0.270	0.031	8.60	0.000	6.83
سودآوری	-1.227	0.461	-2.66	0.008	6.51
نسبت جاری	-0.045	0.023	-1.94	0.053	2.55
جریان‌های نقد آزاد	0.071	0.048	1.47	0.142	1.33
انحراف استاندارد جریان نقد عملیاتی	-0.028	0.048	-0.59	0.559	4.14
انحراف استاندارد فروش	0.120	0.055	2.20	0.028	4.97
زیان	0.005	0.062	0.08	0.936	1.42
تمرکز مالکیت	-0.009	0.111	-0.09	0.932	1.66
مالکیت نهادی	0.318	0.074	4.29	0.000	1.98
دوره تصدی مدیریت	-0.011	0.005	-2.11	0.036	1.23
استقلال هیئت‌مدیره	-0.264	0.097	-2.72	0.007	1.14
اندازه هیئت‌مدیره	0.268	0.071	3.80	0.000	1.08
اثرات سال و صنعت	لحاظ شد				
تعداد مشاهدات	۱۱۲۸				

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره	مقدار احتمال	VIF
ضریب تعیین			۰/۶۲۳		
آماره F (معناداری)			۳۶/۹۵	(۰/۰۰۰)	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

سطح معناداری آماره F (زیر یک درصد) حاکی از مناسب بودن مدل برآوردی است. یافته‌های آزمون عامل تورم واریانس نیز بین ۱/۰۶ تا ۹/۶۵ است که عدم وجود هم‌خطی معنادار در بین متغیرهای توضیحی را نشان می‌دهد. مشابه با مدل اوی، نتایج رگرسیونی در جدول ۴ نیز حاکی از اثر مثبت انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابرسی است. در ارتباط با فرضیه دوم، یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیر اثر همزمان انحراف از هنجارهای صنعت* اندازه حسابرسی دارای ضریب منفی (۰/۰۶۶-) و مقدار احتمال (۰/۱۳۵) است. بنابراین، می‌توان گفت که اندازه حسابرسی اثر معناداری بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی ندارد و فرضیه دوم این مطالعه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. به بیان دیگر، اثر مثبت انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابرسی با اندازه حسابرسی به طور معناداری تعدیل نمی‌گردد. در رابطه با فرضیه سوم، نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیر اثر همزمان انحراف از هنجارهای صنعت* تخصص حسابرسی در صنعت دارای ضریب منفی (۰/۰۶۰-) و مقدار احتمال (۰/۰۷۴) است. بنابراین، می‌توان اذعان نمود که تخصص حسابرسی در صنعت اثر منفی و معناداری بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی دارد و فرضیه سوم مطالعه در سطح اطمینان ۹۰ درصد پذیرش می‌شود. به عبارت دیگر، اثر مثبت انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابرسی کمتر مشهود است، اگر شرکت‌ها از حسابرسان متخصص صنعت به عنوان حسابرسی مستقل استفاده کنند. این یافته حاکی از آن است که نسبت به سایر حسابرسان، حسابرسان متخصص صنعت ریسک کمتر یا حجم عملیات کمتری را برای انحراف از هنجارهای صنعت در نظر می‌گیرند، که این می‌تواند به دلیل تخصص و تجربه آنها در صنعت مربوطه باشد. در ارتباط با متغیرهای کنترلی، نتایج مشابه با مدل اول تحقیق است که در بخش قبلی به طور کامل مورد بررسی قرار گرفت.

۳-۲-۴- آزمون اضافی

در این بخش به بررسی نتایج پس از کنترل اثرات ثابت در سطح شرکت و کاهش اثر احتمال متغیرهای محذوف همبسته پرداخته شد. این نتایج به صورت تشریحی^۱ گزارش می‌شود. نتایج این رویکرد مشابه با یافته‌های قبلی اثر مثبت و معنادار انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابرسی را نشان داد. همچنین، در این رویکرد تخصص حسابرسی در صنعت اثر منفی بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی دارد، در حالیکه اثر اندازه و جنسیت حسابرسی معنادار نبود. این یافته‌ها نشان می‌دهد اثرات ثابت در سطح شرکت بر نتایج تأثیر نمی‌گذارد. از آنجا که کنترل همه متغیرها در سطح شرکت دشوار است، این یافته‌ها نشان دهنده استحکام نتایج اصلی پژوهش است.

۵- نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه بررسی تأثیر انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابرسی با در نظر گرفتن نقش تعدیلی ویژگی‌های حسابرسی بود. با استفاده از ۱۱۲۸ مشاهده جمع‌آوری شده از ۱۶۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰، نتایج اولیه نشان داد که انحراف از هنجارهای صنعت اثر مثبت و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد. به بیان دیگر، حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی که سطح انحراف بالاتری از هنجارهای صنعت را تجربه می‌کنند، نسبت به سایر شرکت‌ها، بالاتر بود. این یافته همسو با پژوهش راسر (۲۰۱۷) است و نشان می‌دهد که انحراف از هنجارهای صنعت می‌تواند باعث افزایش سطح ریسک حسابرسی صورت‌های مالی به دلیل احتمال تحریفات بیشتر در این گونه شرکت‌ها، پیچیدگی و حجم عملیات حسابرسی شود؛ که در نهایت تأثیر مستقیمی بر حق الزحمه حسابرسی دارد. در واقع، این یافته مبین آن است که حسابرسان در ارزیابی صورت‌های مالی شرکت‌های منحرف از هنجارهای صنعت با پیچیدگی گزارشگری مالی و عدم اطمینان بیشتری روبرو هستند و حق الزحمه بیشتری به منظور جبران ریسک‌های مربوطه در نظر می‌گیرند. به بیان دیگر، حسابرسان به دلیل تلاش‌های بیشتر برای کاهش ریسک مرتبط با انحراف از هنجارهای صنعت، حق الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند (راسر، ۲۰۱۷).

با بررسی اثرات تعدیلی ویژگی‌های حسابرسان بر رابطه انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی، نتایج نشان داد که تخصص در صنعت بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمه حسابرسی اثر منفی و معناداری دارد؛ به این معنی که تخصص در صنعت حسابرسان اثر مثبت انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد. این نتیجه مخالف با یافته‌های راسر (۲۰۱۷) است که دریافت حسابرسان متخصص صنعت به انحرافات از هنجارهای صنعت واکنش بیشتری نشان می‌دهند و حق الزحمه حسابرسی بالاتری دریافت می‌کنند. با این حال، عدم همسویی این یافته با راسر (۲۰۱۷) از دو

^۱ دلیل اینکه نتایج به صورت جدول گزارش نشده‌اند، کاهش حجم مقاله و رعایت استانداردهای مجله می‌باشد.

منظر قابل بحث است. اولاً، حسابرسان متخصص صنعت شناخت بیشتری از شرایط و فعالیت‌های صاحبکاران در صنعت مربوطه دارند که توانایی آن‌ها را برای درک هنجارهای صنعتی افزایش می‌دهد. از این رو، در شروع کار نیاز به شناخت گسترده از عملیات صاحبکار نداشته و نیاز به تلاش حسابرسي کمتری نسبت به سایر حسابرسان دارند. از سوی دیگر، حسابرسان متخصص صنعت سهم بیشتری از بازار حسابرسي را دارا هستند و با صاحبکاران متعددی در آن صنعت ارتباط دارند. بنابراین آنها ممکن است حق الزحمة کمتری در مواجهه با ریسک‌های مربوطه به دلیل کسب بازدهی بالاتر در آینده و افزایش سهم بازار خود مطالبه کنند (آکیف و همکاران، ۱۹۹۴). همچنین، تحقیقات تجربی در ایران حاکی از اثر منفی تخصص حسابرسي در صنعت بر حق الزحمة حسابرسي است (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳).

دیگر نتایج نشان داد که اثر تعدیلي اندازه حسابرسي بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمة حسابرسي معنادار نیست. این یافته مخالف با پژوهش راسر (۲۰۱۷) است که اثر مثبت و معنادار اندازه حسابرسي بر رابطه مذکور را نشان داد. از دلایل عدم همسویی نتایج می‌توان به مدل اندازه‌گیری اندازه حسابرسي اشاره کرد که در تحقیق راسر (۲۰۱۷) با حسابرسان بزرگ بین المللی اندازه‌گیری شده است. دلیل دیگر ممکن است ناشی از احتمال عدم تفاوت‌های کیفی بین سازمان حسابرسي و دیگر موسسات باشد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۷). در نهایت، نتایج پژوهش حاضر حاکی از عدم اثر معنادار جنسیت شرکای حسابرسي بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمة حسابرسي بود. به بیان دیگر، تنوع جنسیتی شرکای حسابرسي تأثیری بر ارتباط انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمة حسابرسي ندارد و این ارتباط بدون توجه به جنسیت شرکای حسابرسي مثبت و معنادار است. لازم به ذکر است، در ارتباط با اثر تعدیلي جنسیت حسابرسي، مطالعه ای جهت مقایسه یافت نشد.

به طور خلاصه، نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که تأثیر انحراف یک شرکت از هنجارهای صنعت بر ریسک صاحبکار حسابرسي می‌تواند قابل توجه باشد که منجر به مطالبه حق الزحمة حسابرسي بالاتر می‌شود. از سوی دیگر، تخصص حسابرسان در صنعت بر رابطه بین انحراف از هنجارهای صنعت و حق الزحمة حسابرسي اثر منفی و معناداری دارد و اثر تعدیلي اندازه و جنسیت حسابرسي بر رابطه مذکور معنادار نیست.

این مطالعه چندین پیامد مهم دارد. اول، برای جلوگیری از پیامدهای منفی انحراف از هنجارهای صنعت و صرفه‌جویی اقتصادی، مدیران باید به هنجارهای صنعت پایبند باشند و در گزارشگری مالی خود شفاف و صادق باشند، در حالی که حسابرسان مستقل نیز باید در روش‌های حسابرسي خود هوشیار بوده و به انحرافات از هنجارها توجه کنند. دوم، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان نیز باید از پیامدهای بالقوه انحراف از هنجارهای صنعت آگاه باشند و آنها را در هنگام تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در نظر بگیرند. این مطالعه همچنین به توسعه ادبیات دانشگاهی کمک می‌کند. در حالی که بسیاری از محققین داخلی عوامل مؤثر بر حق الزحمة حسابرسي مستقل را مورد بررسی قرار داده‌اند، مطالعه داخلی در زمینه تأثیر انحراف از هنجارهای صنعت بر حق الزحمة حسابرسي وجود ندارد. همچنین، مطالعه حاضر نقش ویژگی‌های حسابرسي را مورد بررسی قرار

داد. این مطالعه همچنین جریان تحقیقات در مورد پیامدهای انحراف از هنجارهای صنعت را گسترش می‌دهد و جنبه تاریک آن را برجسته می‌کند.

لازم به ذکر است، این مطالعه انحراف از هنجارهای صنعت را با استفاده از میانه صنعت و چهار فاکتور ریسک مهم اندازه‌گیری کرد. هنجارها ممکن است در سطح گروه‌های استراتژیک به جای سطح صنایع وجود داشته باشد. با این حال، با توجه به دشواری شناسایی گروه‌های استراتژیک، اندازه‌گیری هنجارهای گروه استراتژیک دشوار است. تحقیقات آتی می‌توانند هنجارها را از روش‌های گوناگونی مانند مطالعات تحلیلی یا مصاحبه با کارشناسان صنعت اندازه‌گیری کنند. افزون بر این، تحقیقات آتی می‌توانند تأثیر انحراف از هنجارهای صنعت را بر متغیرهای شفافیت اطلاعات، ریسک سقوط قیمت سهام و ارزش شرکت بررسی کنند.

فهرست منابع

- آزاد، عبدالله، کاظمی، محبوبه، (۱۳۹۵)، "۲۸ شاخص کیفیت حسابرسی"، حسابدار رسمی، ۴۴، صص ۶۵-۷۲.
- افلاطونی، عباس، (۱۳۹۷)، "تحلیل آماری در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم افزار Stata"، انتشارات ترمه، چاپ اول.
- اعتمادی، حسین، آذر، عادل، نظامی اردکانی، مهدی، (۱۳۸۹)، "بررسی نقش تخصص حسابرسی در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی"، دانش حسابداری، ۱ (۱)، صص ۹-۲۸.
- بنی مهد، بهمن، عربی، مهدی، حسن پور، شیوا، شاهرخ بزرگمهریان، (۱۳۹۷)، "مروری بر معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی: کاربردها و نقاط ضعف و قوت"، پژوهش حسابداری، ۳ (۳۱)، صص ۳۳-۶۳.
- حمیدیان، محسن، بزرگمهریان، شاهرخ، جنت مکان، حسین، (۱۳۹۷)، "نقش تخصص حسابرسی در صنعت در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰ (۳۸)، صص ۹۳-۱۱۳.
- حیدرپور، فرزانه، جعفری، یعقوب، (۱۳۹۵)، "تأثیر ساختار بازار محصول بر هزینه‌های حسابرسی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی"، ۸ (۳۰)، صص ۱۰۳-۱۱۸.
- عباسی، عادل، خوشکار، فرزین، گرجی زاده، داود، (۱۴۰۲)، "رابطه کیفیت حسابرسی و تقلب شرکت با حق الزحمه حسابرسی و گردش حسابرسی"، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۶ (۷۸)، صص ۱-۲۲.
- گردنل، زهرا، آزادی، کیهان، (۱۴۰۰)، "بررسی اثر تعدیلی جنسیت حسابرسی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی"، حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۱ (۳)، صص ۱۰۷-۱۲۴.
- لاری دشت بیاض، محمود، اورادی، جواد، (۱۳۹۵)، "ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶ (۴)، صص ۶۹-۹۴.

- مشایخ، شهناز، گنجی، حمیدرضا، و پیری، فاطمه، (۱۴۰۱)، "بررسی رابطه تخصص موسسه حسابرسي در صنعت، کمیته حسابرسي و مالکیت مدیریتی با حق الزحمه حسابرسي"، پژوهش‌های حسابرسي حرفه ای، ۳(۹)، صص ۹۲-۱۱۹.
- مشایخی، بیبا، حسن زاده، شادی، امینی، یاسی، منتی، وحید، (۱۳۹۵)، "تاثیر کیفیت حسابرسي داخلی بر حق الزحمه حسابرسي مستقل"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسي، ۸(۳۱)، صص ۴۱-۵۶.
- نیک‌بخت، محمدرضا، تنانی، محسن، (۱۳۸۹)، "آزمون عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسي صورتهای مالی"، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۲)، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- واعظ، سیدعلی، رمضان احمدی، محمد، رشیدی باغی، محسن، (۱۳۹۳)، "تاثیر کیفیت حسابرسي بر حق الزحمه ی حسابرسي شرکت های بورسي"، دانش حسابداری مالی، ۱۱(۱)، صص ۸۷-۱۰۷.
- Alessandri, T. M. & Khan, R. H, (2006), "Market performance and deviance from industry norms: (Mis) alignment of organizational risk and industry risk", *Journal of Business Research*, 59, PP. 1105-1115.
- Altman, E, (1968), "Financial ratios, discriminant analysis, and the prediction of corporate bankruptcy", *Journal of Finance*, 23 (4), PP. 589-609.
- Baginski, S. P., Campbell, J.L., Hinson, L.A., & Koo, D.S, (2017), "Do career concerns affect the delay of bad news?" *The Accounting Review*, 93 (2), PP. 61-95.
- Balsam, S., Krishnan, J, & Yang, J., (2003), "Auditor industry specialization and earnings quality", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 22 (2), PP. 71-97.
- Bjornsen, M., Downes, J. F. & Omer, T. C, (2020), "The consequences of deviating from financial reporting industry norms: Evidence from the disclosure of foreign cash", *Journal of Accounting and Public Policy*, 39, 106712.
- Cameran, M., Campa, D., & Francis, J. R. (2017). "How important is partner variation in explaining audit quality?" Working paper. Valencia, Spain: European Accounting Association.
- Chatterjee, S, Lubatkin MH, & Schulze WS, (1999), "Toward a strategic theory of risk premium: moving beyond CAPM", *The Academy of Management Review*, 24 (3), PP. 556-567.
- Craswell, A., Francis, J. & Taylor, S, (1995), "Auditor brand name reputations and industry specializations", *Journal of Accounting and Economics*, 20, PP. 297-322.
- DeAngelo, L. E, (1981), "Auditor size and audit quality". *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), PP. 183-199.
- Deephouse, D. L, (1999), "To be different, or to be the same? It's a question (and theory) of strategic balance", *Strategic Management Journal*, 20 (2), PP. 147-166.
- Eierle, B., Hartlieb, S., Hay, D. C., Niemi, L., & Ojala, H, (2021), "Importance of country factors for global differences in audit pricing: New empirical evidence", *International Journal of Auditing*, 25, PP. 303-331.
- Fiegenbaum, A. & Thomas H, (1986), "Dynamic and risk measurement perspectives on Bowman's risk-return paradox for strategic management: an empirical study", *Strategic Management Journal*, 7, PP. 395-407.
- Francis, J., Maydew, E, & Sparks, H, (1999), "The role of Big 6 auditors in the credible reporting of accruals", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 18 (2), PP. 17-34.
- Garcia-Blandon, J., Argiles-Bosch, J. M., & Ravenda, D, (2019), "Is there a gender effect on the quality of audit services?" *Journal of Business Research*, 96, PP. 238-249.

- Geletkanycz, M. A., & Hambrick D. C. (1997), "The external ties of top executives: implications for strategic choice and performance", *Administrative Science Quarterly*, 42 (4), PP. 654-682.
- Hardies, K., Breesch, D., & Branson. J. (2015), "The female audit fee premium", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 34(4), PP. 171-195.
- Hay, D. C., Knechel, W. R., & Wong. N. (2006), "Audit fees: A meta-analysis of the effects of supply and demand attributes", *Contemporary Accounting Research*, 23, PP. 141-191.
- International Auditing And Assurance Standards Board (IAASB). (2011). "Audit Quality: An IAASB Perspective".
- Ittonen, K., Vahamaa, E., & Vahamaa. S. (2013), "Female auditors and accruals quality", *Accounting Horizons*, 27(2), PP. 205-228
- Lawrence, A., Minutti-Meza, M., & Zhang. P. (2011), "Can Big 4 versus non-Big 4 differences in audit-quality proxies be attributed to client characteristics?" *The Accounting Review*, 86(1), PP. 259-286.
- Lennox, C., & Pittman. J. (2010), "Big Five audits and accounting fraud", *Contemporary Accounting Research*, 27 (1), PP. 209-247.
- Azizkhani, M., Sami, H, Amirkhani, K., & Monroe, G. S. (2022), "Competition effects on audit quality and pricing in a non-Big 4 market", *The International Journal of Accounting*, 57 (4), PP. 1-48.
- McNamara, G, Deephouse D. L., & Luce, R. A. (2003), "Competitive positioning within and across a strategic group structure: the performance of core, secondary, and solitary firms", *Strategic Management Journal*, 24 (2), PP. 161-181.
- Mitra, S., Jaggi, B., & Al-Hayale. T. (2019), "Managerial overconfidence, ability, firm-governance and audit fees", *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52, PP. 841-870.
- Owusu, A., Kwabi, F., Ezeani, E., & Owusu-Mensah. R. (2022), "CEO tenure and cost of debt", *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 59(2), PP. 507-544.
- Reichelt, K., & Wang. D. (2010), "National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality", *Journal of Accounting Research*, 48 (3), PP. 647-686.
- Rosser. D. (2017), "Does industry-level information affect auditors' assessment of client-level risk?" PhD thesis, University of Arkansas, Fayetteville.
- Sellami, Y. M., & Cherif. I. (2020), "Female audit committee directorship and audit fees", *Managerial Auditing Journal*, 35(3), PP. 398-428.
- Shumway. T. (2001), Forecasting bankruptcy more accurately: A simple hazard model, *The Journal of Business*, 74 (1), PP. 101-124.
- Simunic, D. A. (1980), "The pricing of audit services: Theory and evidence", *Journal of Accounting Research*, 18, PP. 161-190.
- Xue, B. & O'Sullivan, N. (2023), "The determinants of audit fees in the alternative investment market (Aim) in the UK: Evidence on the impact of risk, corporate governance and auditor size", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* Volume 50 (1), PP. 1-19.

Abstract

The effect of deviation from industry norms on audit fees with the moderating role of auditor characteristics

Ebrahim baramzadeh¹
Seyd Ali Vaez²
Ghasem Rekadardar³

Received: 29/ September /2024 Accepted: 28/ November /2024

Abstract

Objective: This study examines the effect of deviation from industry norms (DIN) on audit fees. Further, this study examines the moderator role of external auditors' characteristics (such as size, industry expertise and gender).

Method: This study use a sample of 1,128 observations from companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2014 to 2021. This information, which is in the form of an unbalanced panel (due to the non-disclosure of audit fees in some years), has been extracted from the financial statements and the board of directors reports at the comprehensive database of the Securities and Exchange Organization of Iran (CODAL).

Results: The findings of this study show that firms with higher DIN pay more audit fees than other firms. By investigating auditors' characteristics, the findings suggest that auditors' industry expertise has a negative and significant impact on the relationship between DIN and audit fees. In other words, the positive effect of DIN on audit fees is less pronounced when firms are audited by industry expert auditors. However, the impact of auditors' size and gender on the relationship between DIN and audit fees is not significant.

Conclusion: The results indicate that DIN is related to an increase in corporate risk, which in turn can affect audit risk and consequently audit fees. Also, industry expert's auditors consider less audit risk and lower audit fee for such firms.

Keywords: Deviation from industry norms, Firm risk, Audit risk, Audit fees, Auditor characteristics.

¹ Department of Accounting, Khoramshahr International Branch, Islamic Azad University, Khoramshahr, Iran. ebrahimbaramzadeh@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Accounting, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran (Author and Responsible) sa.vaez@gmail.com

³ Department of Mathematics, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. ghasem_rekadardar@yahoo.com

